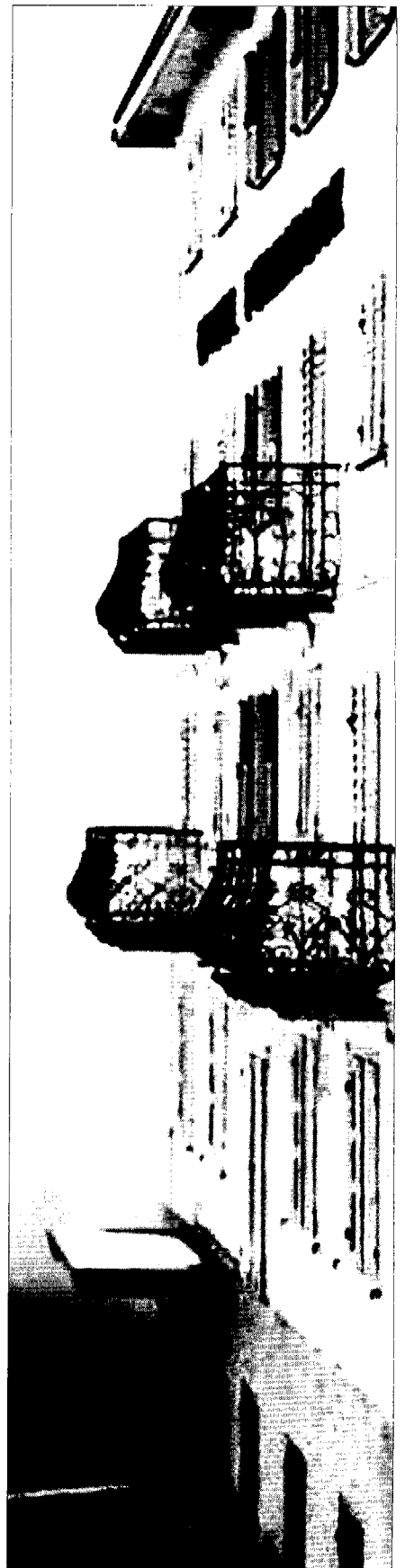
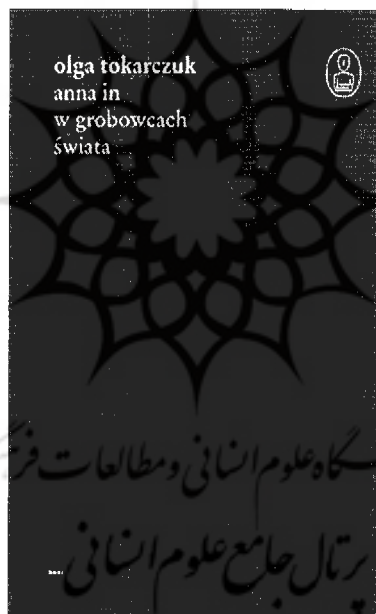
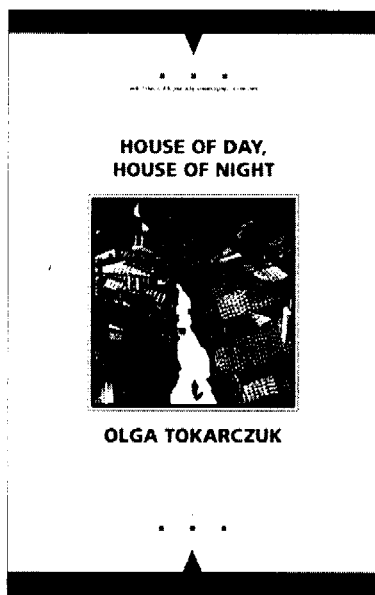


# یک روان‌شناس که نویسنده‌گی را از تیمارستان آغاز کرد



اولگا توکارچوک متولد سال ۱۹۶۲ در سولچو در نزدیکی زیلونا گورا لهستان است. او را یکی از چهره‌های مطرح ادبیات امروز لهستان می‌دانند و موفق‌ترین نویسنده نسل خود به‌شمار می‌آید که در نوشتن رمان‌ها و داستان‌های خود از لحنی اسطوره‌ای بهره می‌گیرد. توکارچوک پیش از آن‌که به ادبیات رو بیاورد، در دانشگاه ورشو روان‌شناسی می‌خواند. در زمان تحصیل داوطلبانه به تیمارستانی رفت که در آن افراد دارای اختلال شخصیت را نگه می‌داشتند. پس از آن‌که در سال ۱۹۸۵ فارغ‌التحصیل شد نخست به وژکلاو و بعدها به وای‌برژیچ رفت تا آموخته‌هایش را به کار بگیرد. توکارچوک خود را پیرو کارل یونگ می‌داند و در آثار خود به گفته‌های او زیاد استناد می‌کند. توکارچوک از سال ۱۹۸۹ در روستایی کوچک در حوالی نوا رودا زندگی و انتشاراتی کوچک خود را اداره می‌کند. توکارچوک نخستین کتاب خود را که مجموعه شعر «شهرهای در آینه» بود در سال ۱۹۸۹ منتشر کرد. رمان

**پرونده**

اول او «سفرنامه کتاب‌بازها» داستان زندگی دو دل‌داده است که در جست‌وجوی راز کتاب‌ها، بخوانید معنای زندگی، هستند. داستان در قرن هفدهم در فرانسه می‌گذرد. این رمان در سال ۱۹۹۳ منتشر شد و با استقبال خوب منتقدان و خوانندگان روبه‌رو شد. رمان بعدی او «ای. ای.» در سال ۱۹۹۶ به چاپ رسید و عنوان خود را از دو حرف اول ایرنا ایلتنسر گرفته. زن جوانی که در خانواده بورژوازی آلمانی - لهستانی ساکن برسلانو بزرگ شده، شهری آلمانی که بعد از جنگ جهانی دوم به ورولکلاو لهستان تغییر نام یافت. ماجراهای رمان در دهه ۱۹۲۰ می‌گذرد. رمان سوم که او مهم‌ترین رمانش است «از یاد رفته‌ها و سایر اوقات» در سال ۱۹۹۶ منتشر شد. رمان در روستایی خیالی به اسم پراویک می‌گذرد به معنای زمان از یاد رفته. شخصیت‌های خودم‌محور و غریبی دارد که روایت تاریخی خود را از سال ۱۹۱۴ به مدت هشتاد سال در قالب داستانی بیان می‌کنند که جاذبه‌های فراوانی دارد. البته به موازات گسترش داستان گریزهایی هم به تاریخ واقعی لهستان می‌زند. این رمان به چندین زبان ترجمه شده و استقبال کم‌نظیری از آن به عمل آمده که شهرت توکارچوک را در مقام صدای رسای نسل خودش به گوش جهانیان رسانده.

پس از آن توکارچوک به تشکل‌های روایی کوتاه‌تر رو آورد که در سال ۱۹۹۷ منتشر شد و «خانه روز، خانه شب» در سال ۱۹۹۸، کتاب اخیر هرچند رسماً رمان است اما در اصل چهل تکه‌ای از داستان‌های کوتاه است که گاه ربط منطقی

به هم ندارند. بعد از آن هم اولگا دست روی دست گذاشت، نوشت و نوشت و همچنان می‌نویسد و از نوشتن برای کودکان نیز غافل نبوده است. اولگا توکارچوک جوایز متعددی برده و از بورس‌های تحصیلی و موقعیت‌های نویسندگی مقیم استفاده کرده است. در سال ۱۹۹۳ در برنامه اقامت بین‌المللی نوبلسندگان میهمان امریکایی‌ها بود و در سال ۱۹۹۷ میهمان سوئیدی‌ها بود و یک سال بعد در فرانسه اقامت کرد. در سال ۱۹۹۹ در مرکز هائورن دن در اسکاتلند دوره‌ای گذراند. در سال‌های ۲۰۰۲ - ۲۰۰۱ مقیم برلین شد و پس از آن در سال ۲۰۰۴ در شهرهای دیگر آلمان میهمان خانه‌های فرهنگ بود. سوئد، بلژیک و سایر شهرهای اروپایی نیز میزبان او بوده‌اند.

آثارش به زبان‌های دانمارکی، مجار، رومانیایی، صربی، روسی، اوکراینی، ارمنی، گرجی، هلندی، چک، ایتالیایی، لیتوانیایی، آلمانی، کاتالان، اسپانیایی، فرانسوی، سوئدی، چینی با فنلاندی، مقدونیه‌ای، نروژی، انگلیسی، بلغاری، ترکی، استونیایی و فارسی ترجمه شده است.

توکارچوک جایزه انجمن ناشران لهستان را در سال ۱۹۹۳ به خاطر نخستین رمان خود گرفت. نامزد جایزه نایک شد که جایزه بزرگ‌ترین روزنامه لهستان به‌شمار می‌آید و به انتخاب خوانندگان در سال‌های ۱۹۹۷، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۱ به وی تعلق گرفت. سال ۱۹۹۹ جایزه انجمن فرهنگ و هنر و اتحادیه نویسندگان لهستان به وی اهدا شد. این جایزه ویداسلاو رسیونت نامگذاری شده است. □



# همه ما پست‌مدرن هستیم

گفت‌وگو با اولگا توکارچوک

درباره شما زیاد حرف زده‌اند. غیر از

محافل آکادمیک و نشریات

دانشگاهی، در مجلات عامه‌پسند

زنانه هم درباره شما گفته‌اند. چه

تصوری از خوانندگان خود در طیف‌های مختلف

دارید؟

به نظرم در غرب اوضاع فرق می‌کند. در لهستان

گمان کنم برای نویسندگان ادیب صورت خوشی ندارد

که در نشریات به اصطلاح سطح پائین یا زرد

**پرونده**